

MARVEL

3

LGY#168

DONNY CATES • RYAN STEGMAN • JP MAYER • FRANK MARTIN

VENOM



دورنامه
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

FRANK MARTIN
JP MAYER
to

سالها پیش مرد عنکبوتی شکفت انگیز بطور تصادفی در معرض یک ارگانسیم بیگانه به نام سیمیوت قرار گرفت. بعد از اینکه مرد عنکبوتی متوجه شد که این پوشش جدید افکار او را می خواند و می خواهد برای همیشه با او یکی شود، او را از خود راند.

این سیمیوت که احساس می کرد که به او خیانت شده و ترک شده تا در تنهایی خود بمیرد، میزبانی یافت بنام ادی بروک که مایل بود او را حفظ کند. نکته مشترک بین آنها تنفر از مرد عنکبوتی بود. مرد عنکبوتی زندگی ادی بروک را به عنوان یک روزنامه نگار نابود کرده بود.

بروک این سیمیوت را پذیرفت و هر دو با هم یکی شدند و سوگند خوردند که از مرد عنکبوتی انتقام بگیرند بنام...

VENOM

سالها پیش در گیرودار جنگ ویتنام گروه شیلد یکی سیمیوت باستانی را کشف کرد که میلیون ها سال به حالت خفته به سر برده بود. آنها نمونه هایی از این سیمیوت استخراج کردند. از مایشاتی که با این نمونه ها بر روی سربازها شکل گرفت با هدف ایجاد نسلی جدید از سربازان بود.

رکس استریکلند توانست از ویتنام رها شود ولی بقیه گروهان نتوانستند. از آن زمان به بعد رکس در تلاش برای آزادی آنها بوده ولی تلاش هایش بی نتیجه بوده اند. الان او از ونوم برای این کار درخواست کمی کرده است.

ولی در جریان عملیات نجات ونوم متوجه شد که راهی برای نجات سربازان وجود ندارد و اینکه سالها پیش این سربازان توسط سیمیوت های خود بلمیده شده اند و تنها چیز باقی مانده از آنها گروهانی از سیمیوت هاست.

آنها که توسط ونوم آزاد شده اند، سیمیوت باستانی را که حال زنده شده آزاد می کنند که یکی از دهای کلینتار عظیم الجفنه است که مورد احترام سیمیوت خود ادی نیز هست.

این مخلوق تمامی سیمیوت های آزادکننده اش را یکجا بلمید و از خیابان های نیویورک سر بر آورد. این اژدها موجب خرابی و ترس بسیار در سطح شهر شد و همینطور باعث بروز اختلال بین ادی و سیمیوتش شد...

DONNY CATES WRITER

RYAN STEGMAN PENCILER

JP MAYER INKER

FRANK MARTIN COLOR ARTIST

VC's CLAYTON COWLES LETTERER

RYAN STEGMAN, JP MAYER & FRANK MARTIN
COVER ARTISTS

JORGE MOLINA & MORRY HOLLOWELL
VARIANT COVER ARTISTS

ANTHONY GAMBINO
TITLE PAGE DESIGN

LAUREN AMARO
ASSISTANT EDITOR

DEVIN LEWIS
EDITOR

NICK LOWE
EXECUTIVE EDITOR

C.B. CEBULSKI
EDITOR IN CHIEF

JOE QUESADA
CHIEF CREATIVE OFFICER

DAN BUCKLEY
PRESIDENT

ALAN FINE
EXECUTIVE PRODUCER

من گم شدم.

در ذهن من دیگر
زندانی شدم.

...چه اتفاقی
افتاد؟

یک ازدها بود؟
نه... نه... این
نمی تونه واقعیت
داشته باشه.

یه چیزی به من ضربه
زد و من کنترلم رو
از دست دادم...

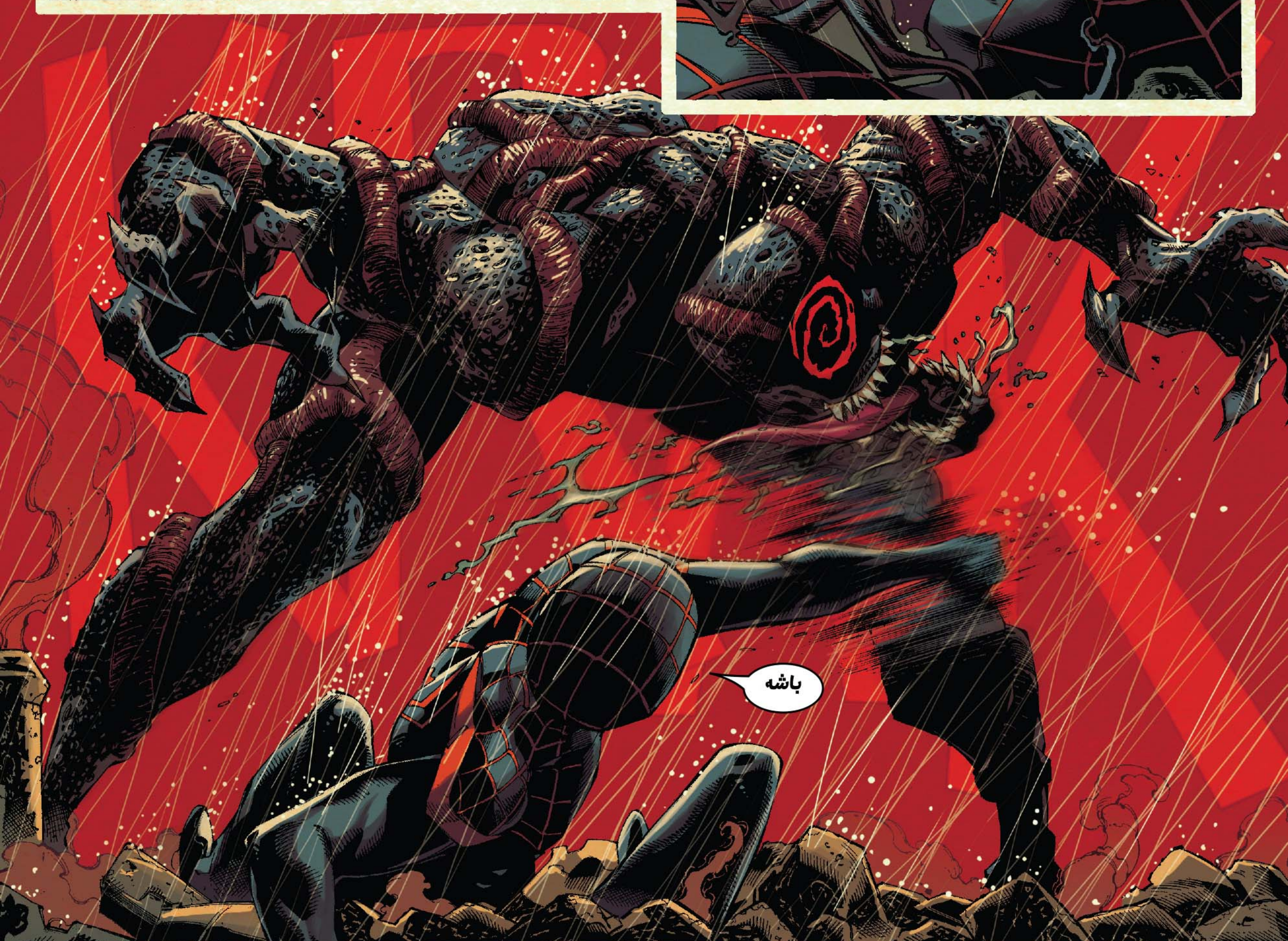
چی... پس
چی بود؟

خدای من...

مرد
عنکبوتی...

...ما داریم مرد
عنکبوتی رو می کشیم





خودت... خواستی!

آآغغ!

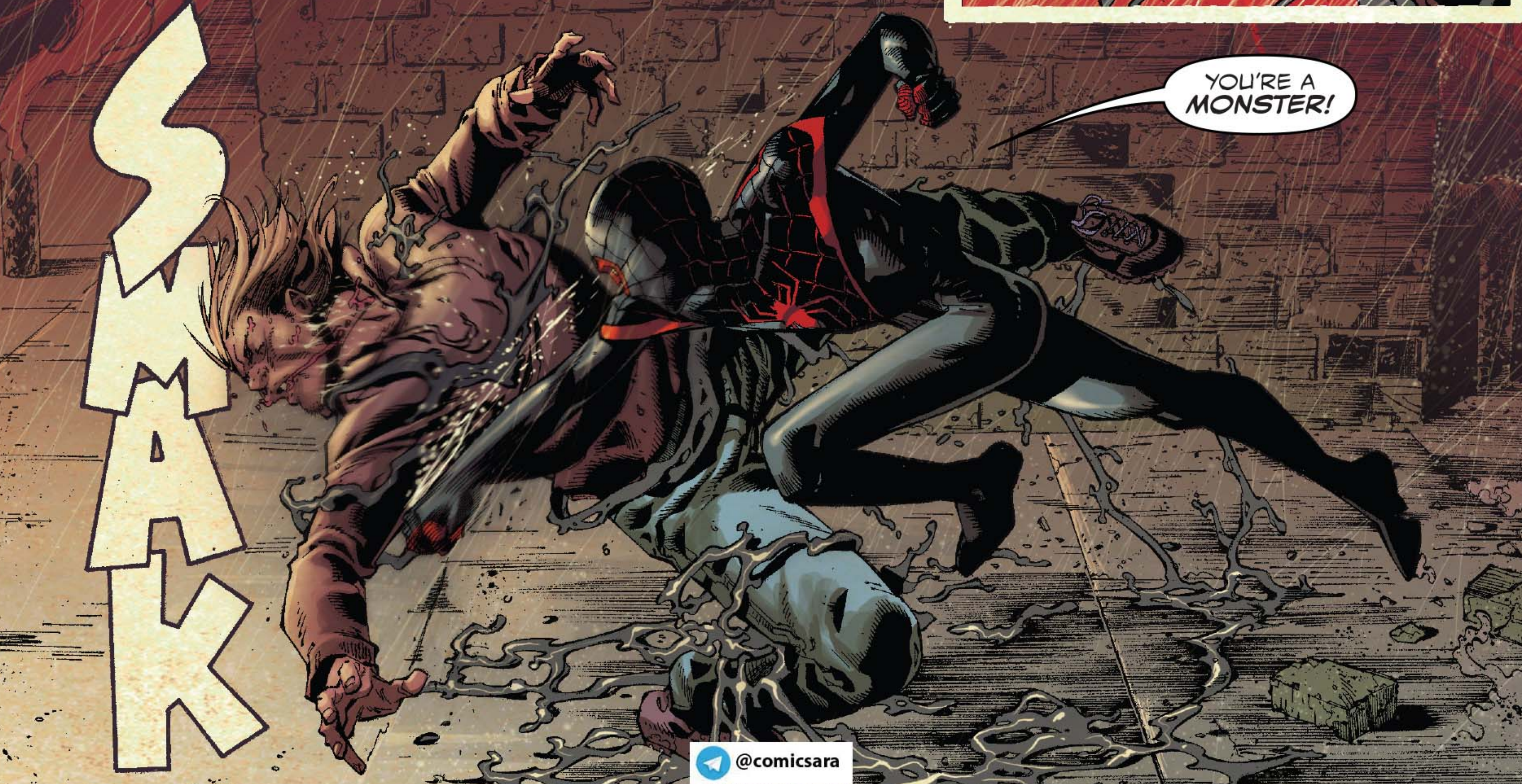


من... خدای من، متأسفم... نمی دونم چی شد.

ممنونم بچه ما همدیگه رو ملاقات نکردیم. اسم من...



من می دونم تو کی هستی!



YOU'RE A MONSTER!



این بچه انگار اعصاب نداره...

HAGHH!



SMAK

...براش جنبه شخصی داره انگار...

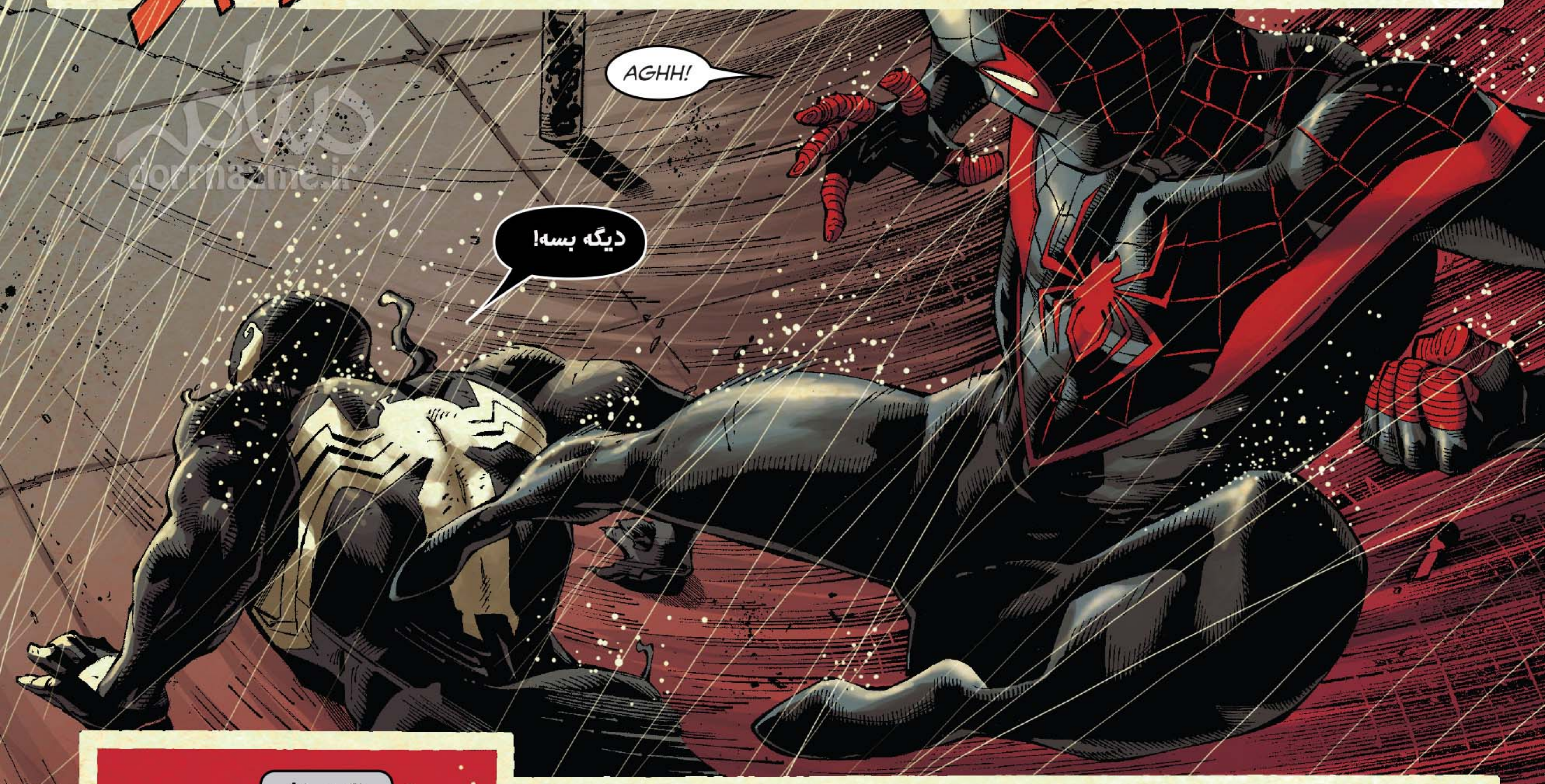
AGH!



سیمبیوت هنوز گیجه. و بخاطر قرص ها هنوز ارومه.

باید تمومش کنم.

باشه بچه...



AGHH!

دیگه بسه!



مواظب باش.



اونو نکش.

WHAM



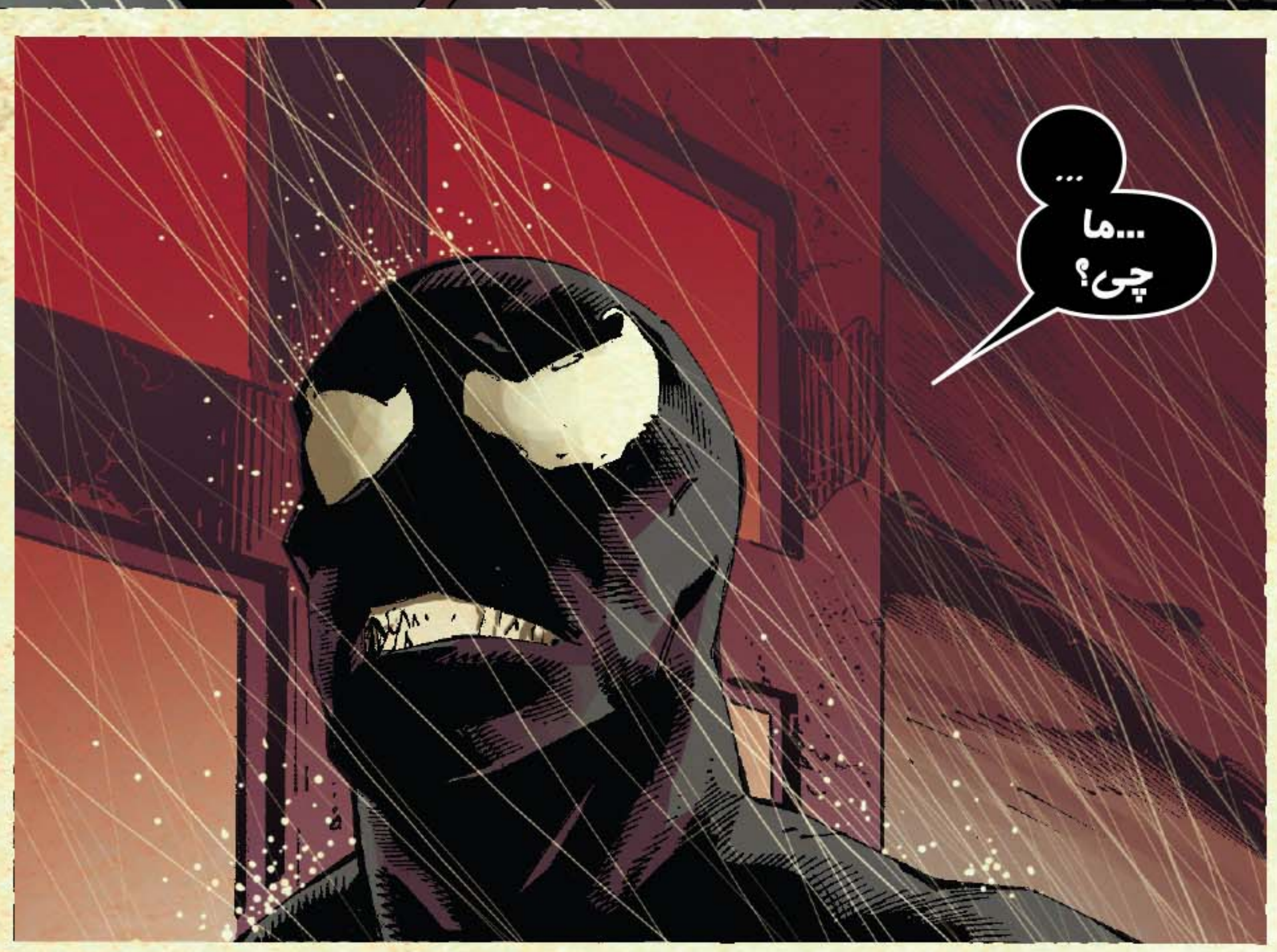
بس
کن!

به ما
گوش کن!

از من
دور شو!

FWIP

تو به
مادر من
لطمه زدی!



...
ما...
چی؟



تو...یه چیزی
مثل تو...نمی دونم...

پدرمو فرستادی
بیمارستان...مادرمو ازم
گرفتی...و...

بچه.
به ما نگاه
کن.

اسم من
ادی بروکه.

من تو رو
نمی شناسم.

تا جایی که
یادم میاد...به مادرت
لطمه ای نزدم. ولی اگه تو
رو اذیت کردم...یا...اگه
کسی رو ازت گرفتم...
می توئم بعدا جبران
کنم.

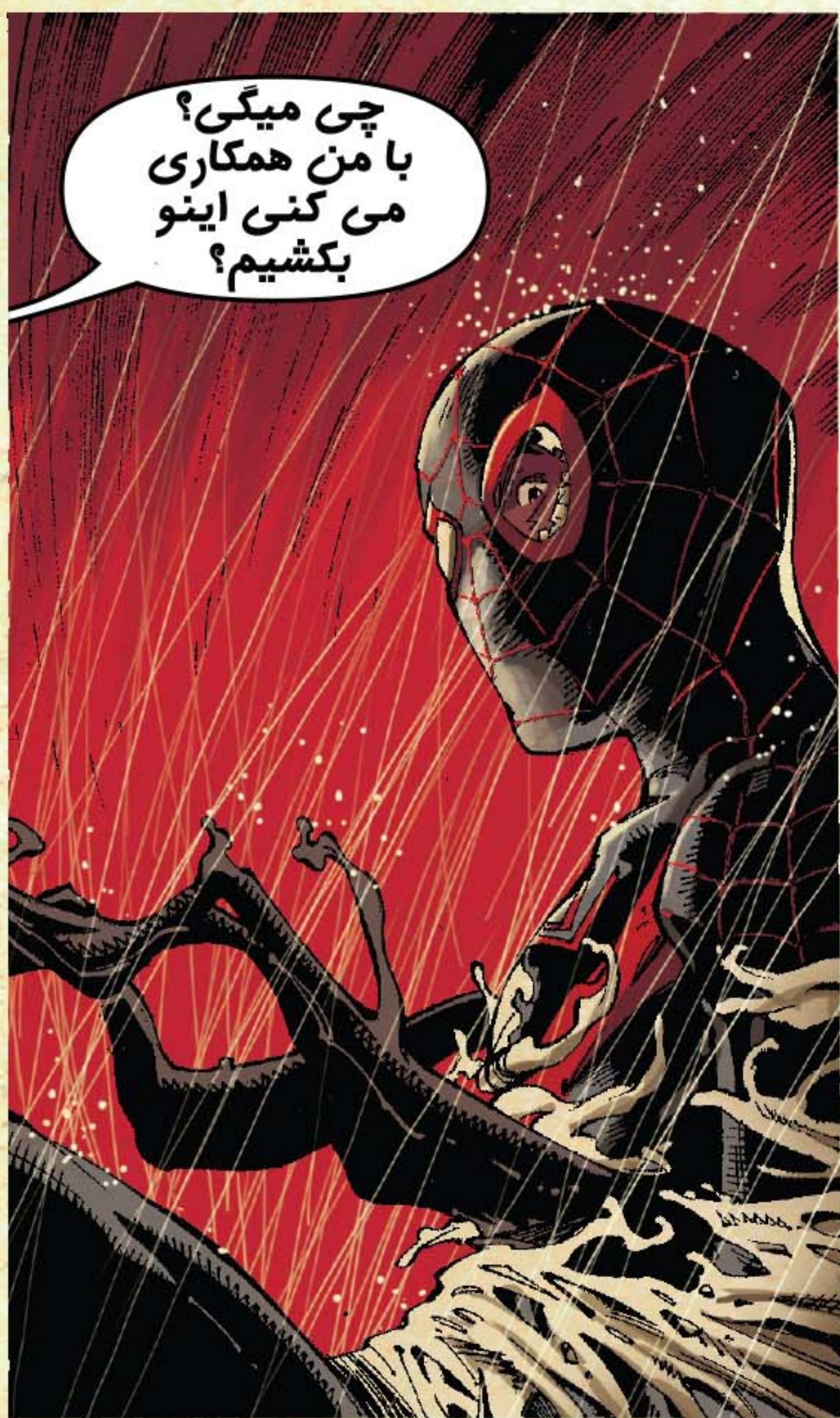
بخت قول
می دم.



ولی در حال حاضر تو و من تنها چیزی هستیم که بین اون مخلوق و مردم شهر قرار گرفتیم.



الان شبیه کسی هستی که می خواد به هیولا رو اذیت کنه...
...و ما تنهایی نمی تونیم جلوی اونو بگیریم.



چی میگی؟ با من همکاری می کنی اینو بکشیم؟



باشه، ولی وقتی این قضیه تموم بشه...

آره. آره. آره. تو تنها بچه عنکبوتی ما نیستی...

از اون چیزایی که منو باهش زدی داری؟



آره. بهش می گن...
آ... آ...

بهش می گن انفجار ونومی.



اسمش خوبه.

آره.

خفه شو می تونم همشو یهو آزاد کنم.

کل انرژیمو می گیره ولی به ضربه مهلک وارد می کنه.

چقدر مهلکه؟

خداي من اين ديگه چيه؟

به سيمبيوت باستاني مثل ما... فقط...

بدتر. بزرگتر. بدجنس تر. ترسناک تر. شايد به کمی زشت تر ولی نه...

باشه. مشغول بشيم.

انگار همه جای دنیا بهم ریخته.

بقیه کجا هستند؟ چرا انتقام جویان یا ایکس من اینجا نیستند؟

اگه نمی دونی فقط بگو نمی دونی.

اها! اون هلیکوپتر داره به اون موجود موشک شلیک می کنه! فکر می کردم آتش و صوت سیمبیوت ها رو اذیت می کنه!

آره. منو که اذیت می کنه. پس باید به اندازه کافی بعش نزدیک بشيم تا انفجار ونومی ایجاد کنیم.

خیلی خوب. به نظرت چطور این کارو انجام بدم که خورده نشم؟

صدایی که ازدها
از خودش در می آره
تا آخر عمر یادم
می مونه.

هزاران صدایی که مثل
صدای موتور جت همزمان
با وحشت به صدا در میان.

REFLEX

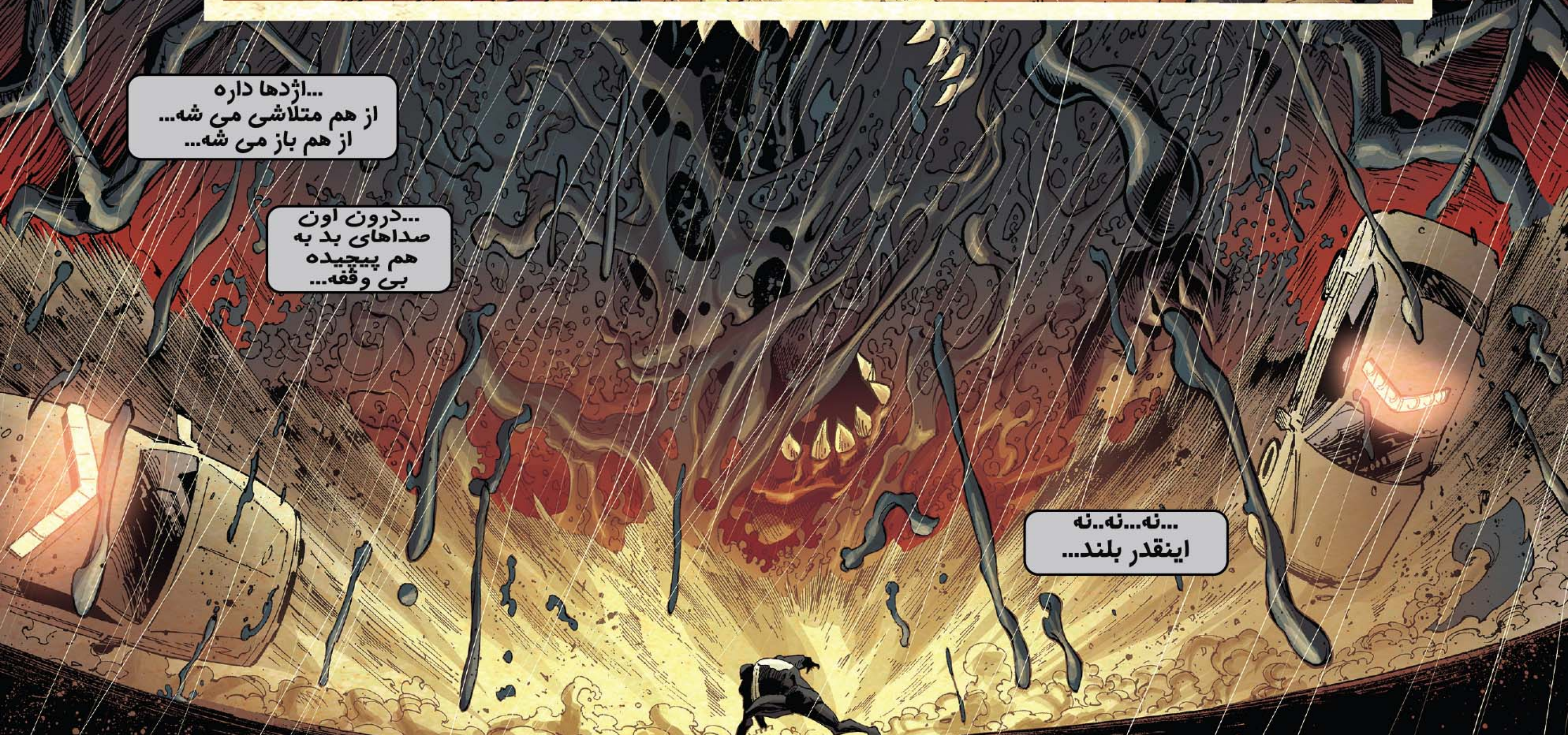


dorriyama.ir



و بعد به
چیز دیگه...

AGHH!



...اژدها داره
از هم متلاشی می شه...
از هم باز می شه...

...درون اون
صداهاى بد به
هم پیچیده
بی وقفه...

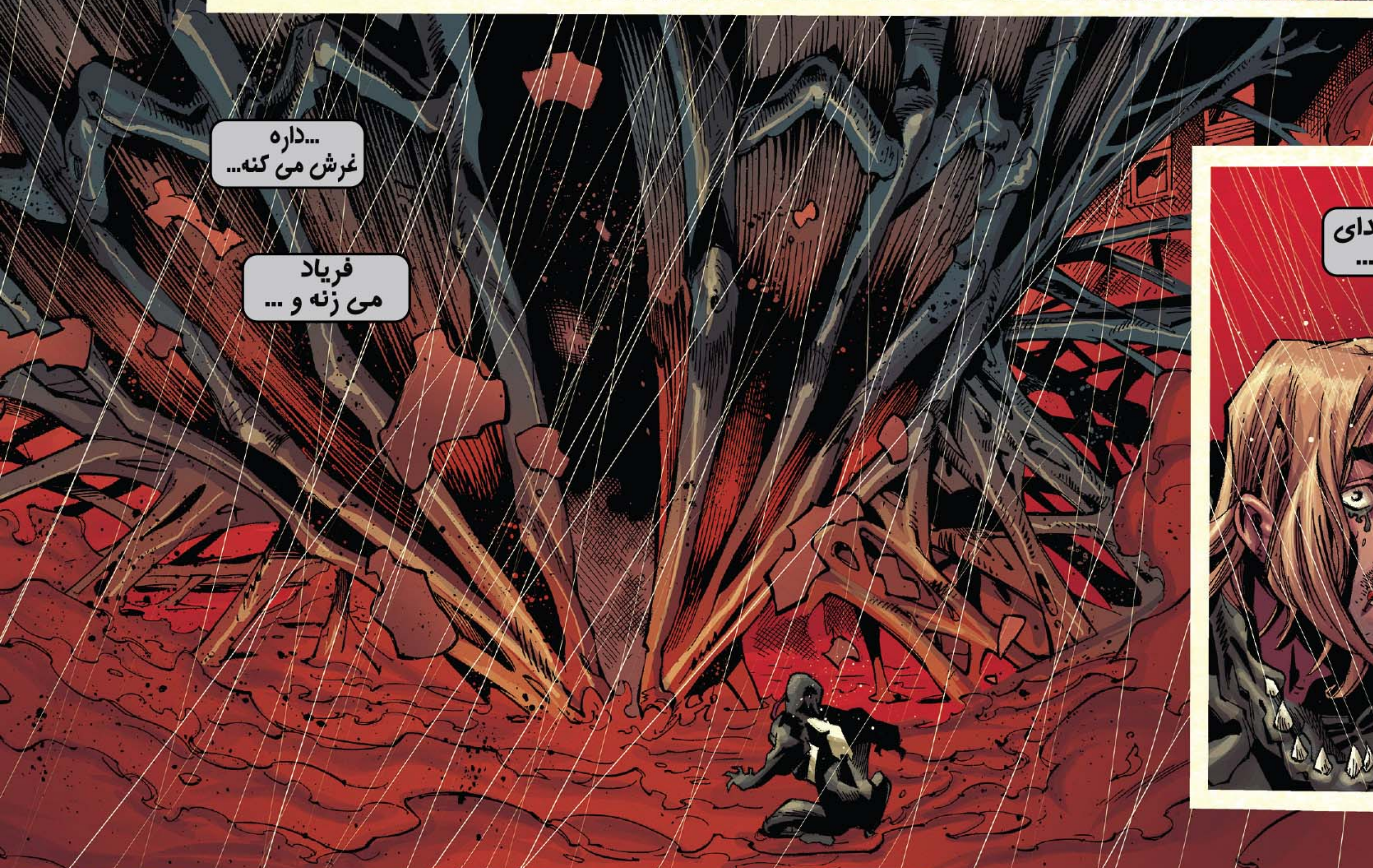
...نه...نه...نه
اینقدر بلند...



...توی سرم. توی
ذهنمه!

اون...

RAAAAAAAAA!



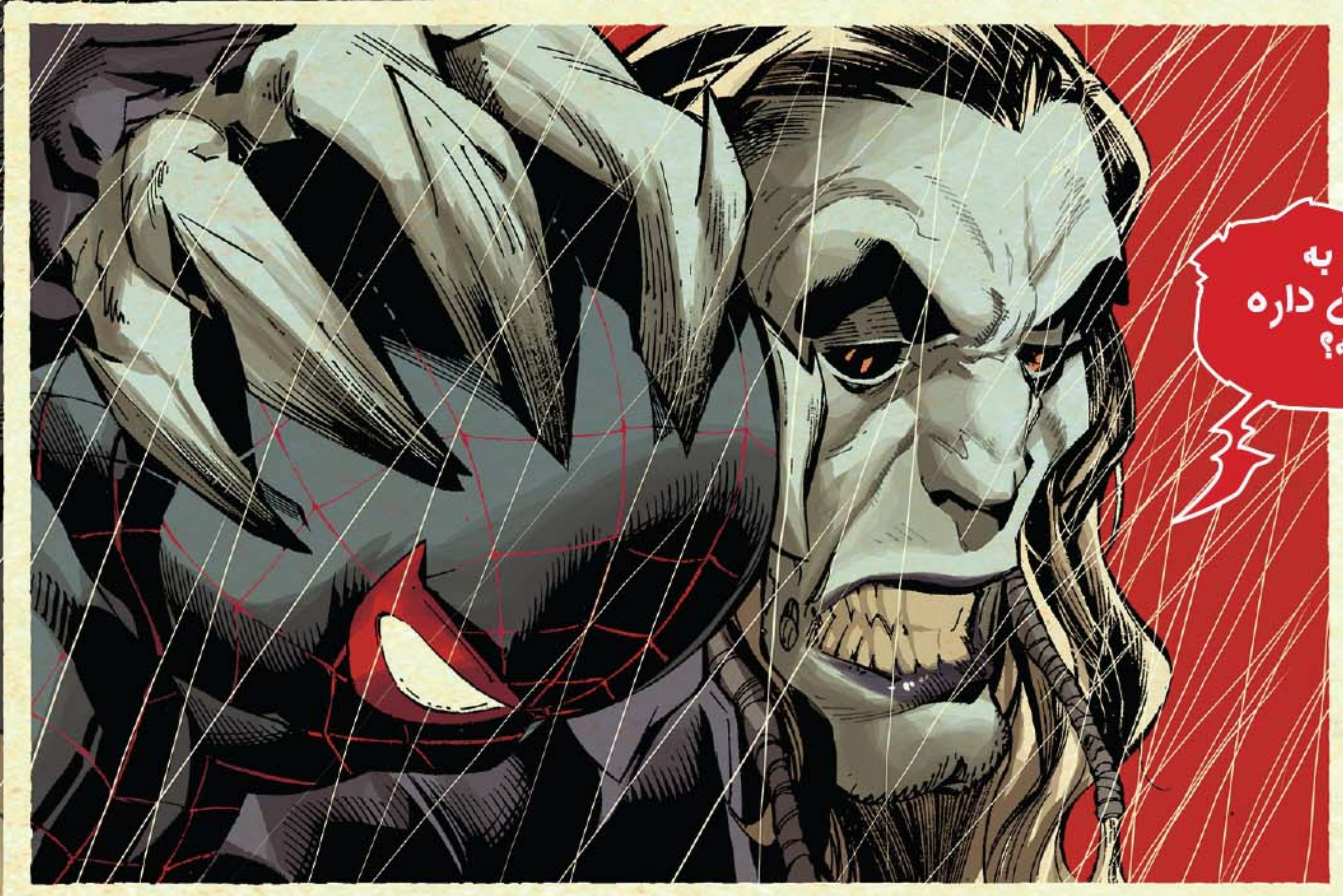
...داره
غرش می کنه...

فریاد
می زنه و ...

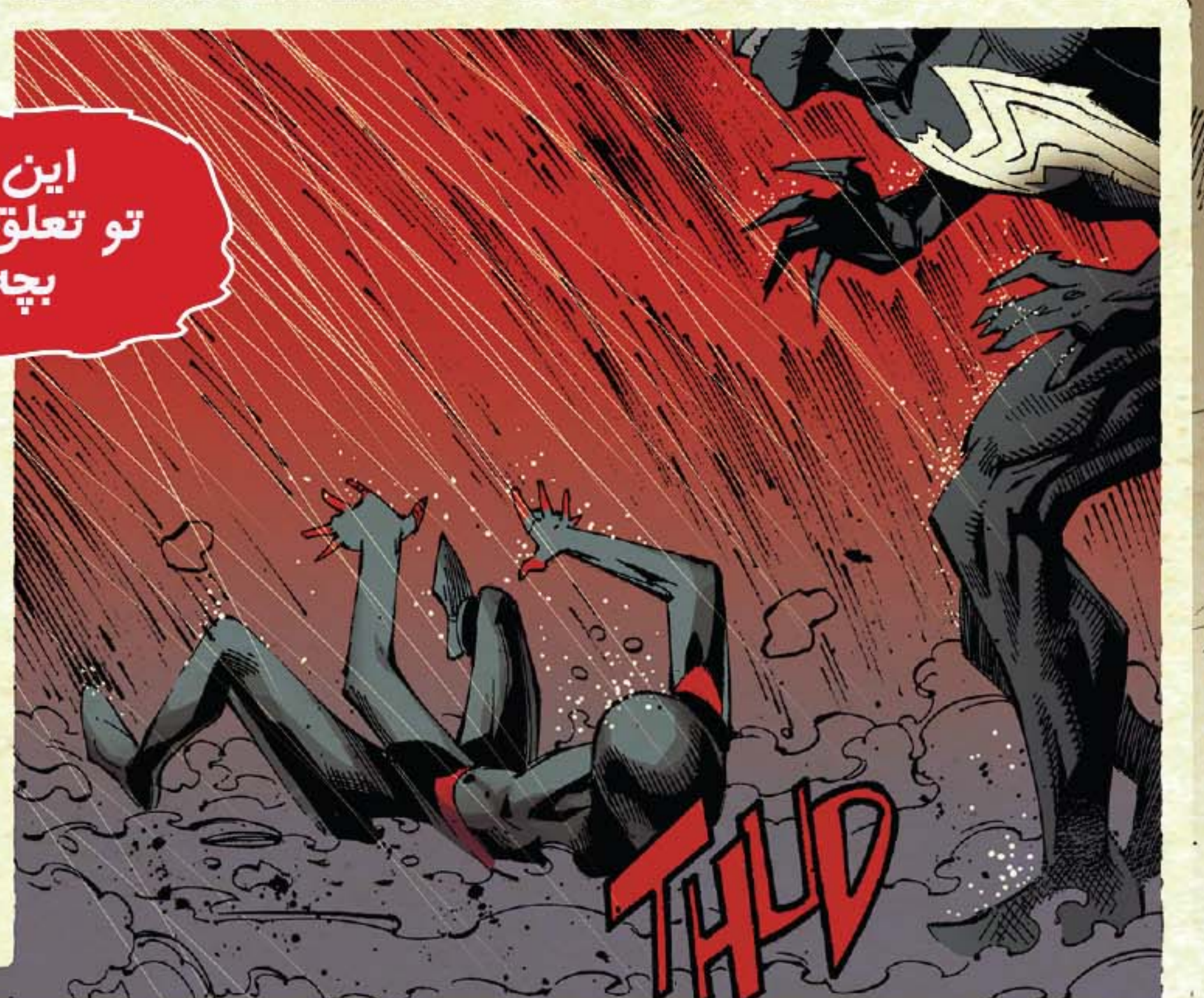


اوه خدای
من...

آواز می خونه...
داره



این به
تو تعلق داره
بچه؟



این بچه زنده است... زنده. ولی من منجمدم.
سیمپیوت من مثل یه قالب مرده است.

همون جایی
که هستی
بمون!

این چیز هر
چی هست... من دیگرم
با غریزه ای خالص
به سمتش کشیده می شه.

شکمش
به سمت اون
می ره.

روی زمین
بشین دست هاتو
بذار پشتت و گرنه
شلیک می کنیم!

در حرکاتش نشونه ای
از عجله وجود نداره.

نه وحشتی
نه خشمی.

فقط قدرت.

CRUNCH

قدرت.



چقدر...
...کوچک.



هی! بذارش
زمین. تو اون
چند نفر آدم
هستی!
نمی دونم
تو کی هستی
یا چی می خواهی.
ولی...



شکنده.

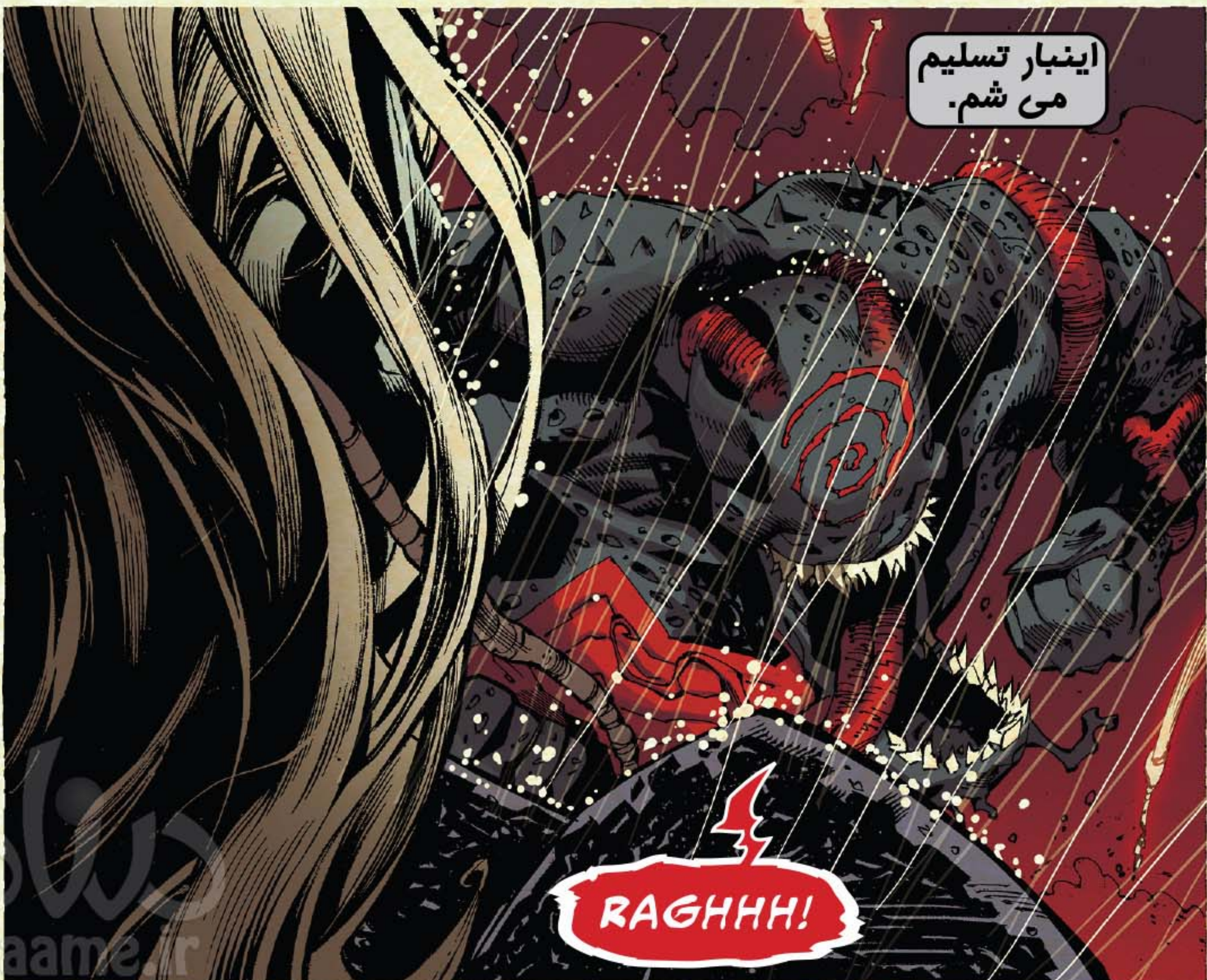


بعد...
اون اتفاق...



...دارم
محو می شم

مادرم داره
کنترل
رو بدست
می گیره.



اینبار تسلیم
می شم.

RAGHHH!



اوه
نگاهش کن.
زیباست.



RAGHHH!



اوه فرزند من. تو نمی تونی منو لمس کنی.



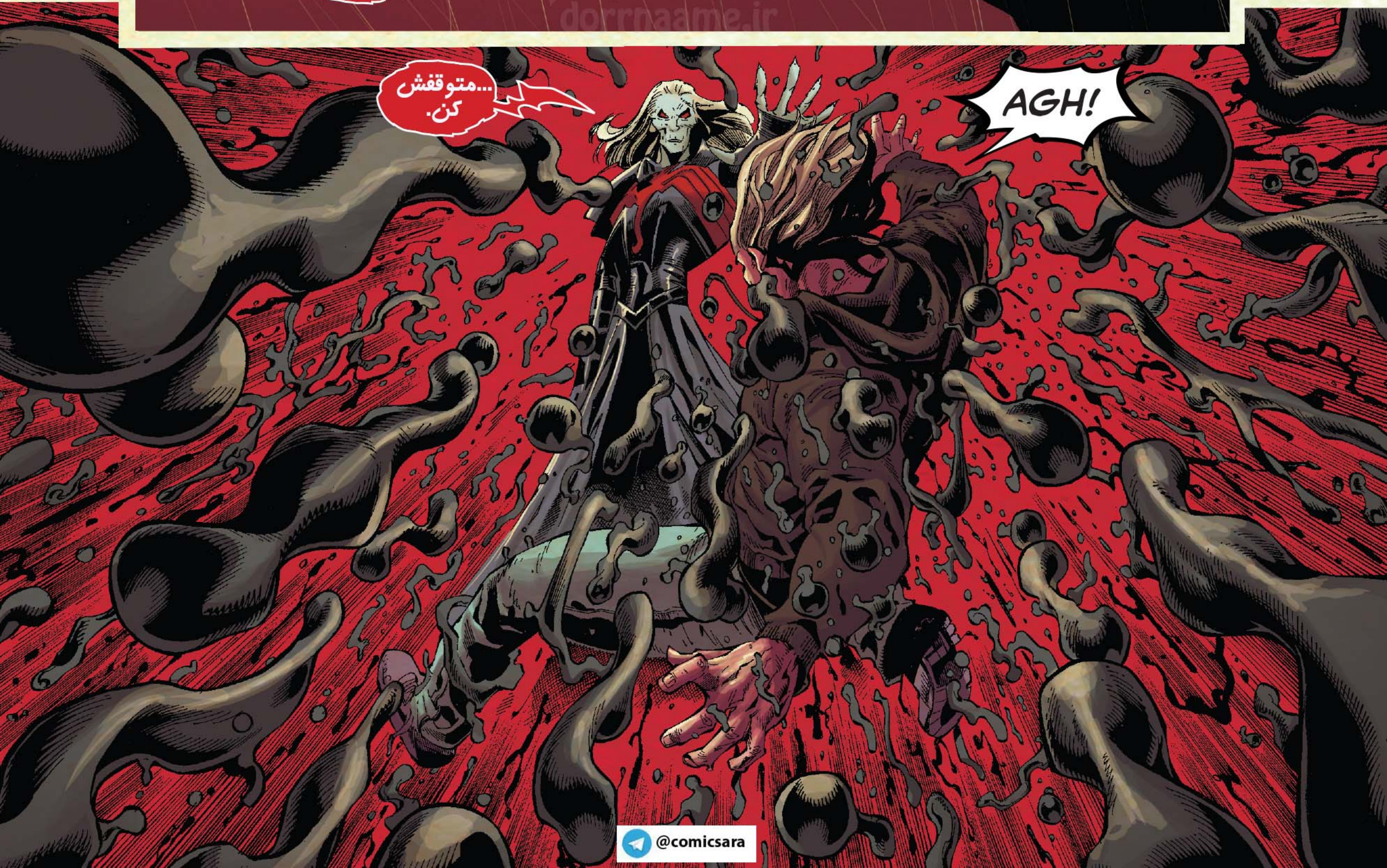
من ناخدای این کشتی ام.



ولی من خیلی خیلی دور هستم.



حالا...



...متوقفتش کن.

AGH!



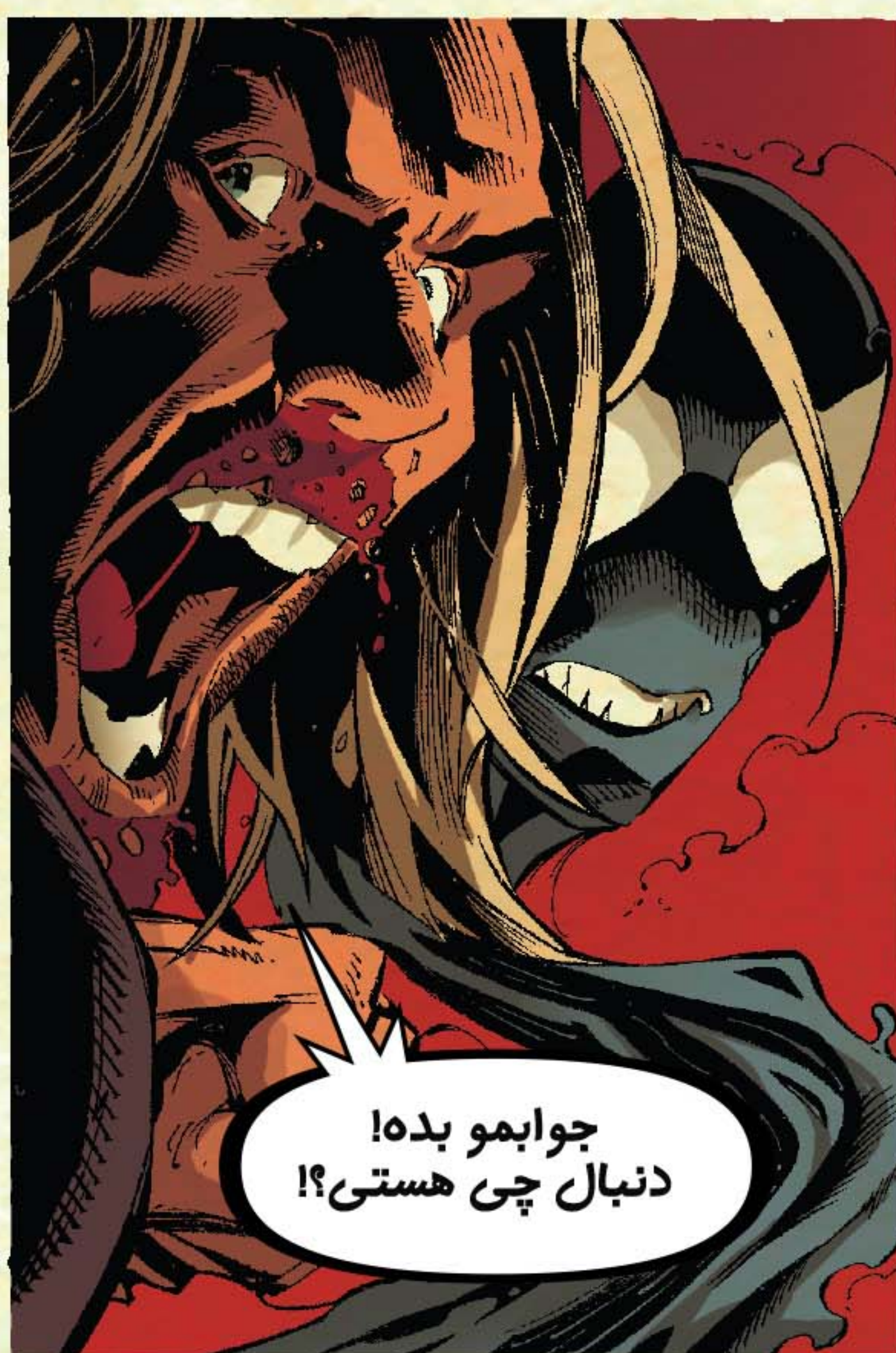
اینجا
صداها خیلی
بلندند.
ما رو
تنها بدارید.



ت-تو
چی هستی!؟



فرزندم...
سرت چه بلایی
لومده؟ چرا تو این
محل؟



جوابمو بده!
دنبال چی هستی!؟



بیا
پیش من.
میزبان
داره فریاد می زنه
فرزند.



نه.
چیکار داری
می کنی!؟

دنام
lorrnaame.ir



حالا...



فرزندم...



میزبانت تو رو خفه کرده. تو از درون شکستی.

آیا باید درمانت کنم؟

لطفاً... خواهش می کنم اونو از من دور نکن... اون تنها چیزیه که دارم.



من نمی تونم تنها بمونم.



می بینم که مدتی خیلی طولانی اینجا بودی.

تو آلوده شده، کوچولو...



...بشریت آلوده ات کرده.



بذار اینو
بسوزونم و از بین
ببرم.

SKREFF!



هی!
بس کن! داری
عذابش می دی...



ساکت!



تو
من خواهی
بدونی من
کی هستم
میزبان?
بذار
نشونت بدم.

دورنامه
dorrname.ir



من کنول
هستم.

خداوندگار
ورطه.

میلیاردها سال
پیش...

"خدای سیمبیوت ها."

ادامه دارد...